

خطبه ی متّقین و علامه حافظیان (ره)
دکتر حکیمه دبیران
استاد دانشگاه خوارزمی و عضو انجمن عرفان اسلامی

چکیده:

عارفان بزرگی از ایران، با سفر به شبه قاره هند، به پیشبرد امور مردم آن خطّه در آشنایی با دین مقدّس اسلام و گسترش آن کمک کرده‌اند. علامه سید ابوالحسن حافظیان (ره) خالصانه به کشمیریان در زمینه‌های گوناگون و رفع مشکلات آنان گامهای مؤثّری برداشته و در دعوت ایشان به پذیرش اسلام اهتمام ورزیده است.

از جمله کارهای ارزنده این عالم بزرگوار می‌توان به ساختن مسجد در سرینگر کشمیر، ایجاد یک سکو در فضای ورودی صوفی پوره، برای نشان دادن جهت قبله به مردم آن سرزمین، ترغیب جوانان به تحصیل علم و آوردن هدایایی چون دفتر، قلم و مداد به منظور تشویق آنها اشاره کرد. اینجانب در سفر به کشمیر در سال ۱۳۸۸، به موقعیت والای مردمی علامه سید ابوالحسن حافظیان (ره) بیشتر پی بردم. به نظر می‌رسد این امر بخاطر جامعیت ایشان یعنی داشتن رفتاری حسنه و تعهد، بویژه تقوای وی بوده باشد. در این مقاله برانم که برخی از صفات وی را که در خطبه متّقین نهج البلاغه امام علی (ع) هم مشاهده می‌کنیم نشان دهیم. به شهادت آثاری که موجود است علامه حافظیان (ره) یک فرد متّقی و خداترس بود، به درستی و راستی سخن می‌گفت، مشی او در زندگی میانه روی بود و بامردم به خوبی و فروتنی رفتار می‌کرد مانند آنچه علی (ع) در خطبه همّام در وصف متّقین فرموده است.

این امر گواه توجّه عمیق و تفکر دقیق علامه سید ابوالحسن حافظیان (ره) به نهج البلاغه است و نشان می‌دهد که ایشان در وفق دادن اخلاق و رفتار خود با آنچه امام در وصف متّقین فرموده، همواره کوشیده است.

اینجانب با مشاهده لوح محفوظ و تأملی در آن، به این نتیجه رسیدم که درباره شخصیت والای ایشان بویژه دانش او باید بیشتر مطالعه و تحقیق کرد. این عالم وارسته در حیات خود شرحی بر لوح محفوظ نوشته و هدف از اقدام به چنین کار شگرفی را تبیین کرده است. جنّه الاسماء یکی دیگر از آثار ارزشمند ایشان، نگارشی از اثری به همین نام منسوب به امام علی (ع) است.

کلید واژه: علامه سید ابوالحسن حافظیان (ره)، متّقین، تطبیق با نهج البلاغه

مقدمه

مشاهده آثار وجودی شادروان علامه سید ابوالحسن حافظیان (ره) و مطالعه احوال و اقوال و اشعار ایشان، نشان می‌دهد که رسیدن به مقامات عالیّه، به میزان همّت افراد و شایستگی آنان بستگی دارد. مؤید این نکته آیه شریفه قرآن است، که: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». این عالم عارف از تمام لحظات زندگی برای آموختن، عبادت و خدمت به بهترین نحو استفاده کرد.

"باید اشاره کنم که آقای حافظیان در معارف اعتقادی و حقایق مبدّی و معادّی و دریافت‌های شریف روحانی، به مراتب بسیار بالایی رسیده بود که حاصل جوهر روحی قوی و استعداد ممتاز ایشان بود...". (حکیمی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵).

پرورش مرحوم حافظیان (ره) در خانواده‌ای با ایمان، مأنوس با قرآن و آشنا به عرفان، پایه و مایه‌ای شد تا همواره در زندگی فردی و اجتماعی با همّتی وصف ناپذیر راه کمال انسانی را بپیماید و با ایثار و اخلاص تمام، موجبات رضوان پروردگار را فراهم آورد. ارادت خالصانه وی به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و اهتمام در ساخت ضریح مطهر [*]؛ فراگیری علوم ریاضی، طب، نجوم، هیأت، صرف و نحو، اخلاق و فقه، نزد اساتید بزرگ؛ تلمذ علوم غریبه در محضر استادان بزرگوار چون آقا شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) و سید موسی زرآبادی و حاج سید مظهر حسین هندی؛ همصحبتی با مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی (ره)؛ مهاجرت به کشمیر و خدمت به مردم با صفای آن خطّه و کوشش برای گسترش اسلام در شبه قاره، از جمله اموری هستند که در ارتقاء مقام علامه حافظیان (ره) بسیار مؤثر بوده است.

کتاب شرح و تفسیر لوح محفوظ:

اثر ماندگار آن بزرگوار "لوح محفوظ" است که مجموعه‌ای از اسامی و القاب محمد مصطفی (ص) را با احتساب برابر ابجدی آنها چنان تنظیم نموده است که به طرز اسرارآمیزی با آیاتی در شأن حضرت رسالت (ص) و همچنین با بیتی از ابیات سعدی (علیه الرّحمه) در نعت پیامبر اکرم (ص) از نظر مجموع اعداد برابری می‌کند. مرحوم حافظیان در کتاب شرح و تفسیر لوح محفوظ، پس از تبیین مندرجات لوح با اعداد و ذکر تمامی اسامی و القاب، یکی از قصاید خود را که حاوی حقایق آیات و اشاره‌ای به اسرار حروف و اعداد است، آورده و در ضمن دعوت به وادی عشق، شرط ورود به حریم نبوت (ص) را اعتقاد و ایمان به ولایت علی (علیه السّلام) دانسته است:

در آرز چاه طیبیت، بیا به وادی عشق
نگر به راه حقیقت هزار قافله هاست
اگر کسی است در این خانه، حرف يك کافیت
که سرّ مطلب و راز درون نسخه ماست

ز "باب علم" بشو "شهر علم" را داخل که شاهراه همه رهروان راه خداست
(حافظیان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵)

این هشدار لطیف، آنهم در مجموعه شگفت آوری که به نام محمد (ص) است، نشان از تحقق حدیث رسول اکرم (ص) در قلب او دارد، که حضرت (ص) فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا». به نمونه‌ای دیگر از تبلور اندیشه ولایی در اشعار این عالم عارف که شفاعت محمد (ص) و علی (ع) را امان نامه روز رستاخیز می‌داند، اشاره می‌شود:

گر قبول افتدم به عزّ و شرف	بر سرم تاج اصطفی باشد
به امیدی که روز رستاخیز	به کفم وصف مصطفی (ص) باشد
به کفم وصف مصطفی (ص) گر بود	نامه ام دست مرتضی (ع) باشد
نامه ام دست مرتضی (ع) که بود	خوف و ترسی مرا چرا باشد
شفعایم محمد (ص) است و علی (ع)	قابل التّوبه ام خدا باشد
سیّاتم بدل شود حسنات	نصّ این در کتاب ما باشد

(حافظیان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸)

ایشان را در زمره آن بندگان متقی قرار داد که وصف آنان از زبان و بیان مبارک مولی الموحّدين علی علیه السلام، ما را به شناخت هر چه بیشتر تقوی پیشگان رهنمون می‌شود. حضرت در آغاز خطبه از شایستگی آنان برای احراز فضائل سخن می‌گوید، سپس یکایک فضیلت‌ها را بیان می‌فرماید: «فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ» (پرهیزکاران در این دنیا اهل فضائلند). علامه حافظیان زاهد و عالمی وارسته و عارفی آراسته به فضیلت‌های انسانی چون ایمان به خدای یکتا، تخلّق به اخلاق الهی و خدمت به خلق خدا و عدم دل‌بستگی به تعلّقات دنیایی بود. مشاهده شور و شوق مردم باوفای صوفی پوره، ذکر خیر این بزرگوار و توصیف حُسن خلق و سپاسگزاری از خدماتش در آن خطّه، ما را به تحقیق بیشتر در مورد ایشان مصمّم ساخت. به شهادت آثار مختصری هم که در دست است، جلوه‌های ایمان واقعی و تقوای خالصانه در همه مراحل زندگی او دیده می‌شود.

توجّه به عالم باقی و قطع وابستگی از دنیای فانی:

زندگی مرفّه و تجارت پر رونق هرگز سید ابوالحسن حافظیان را به خود مشغول نکرد، بلکه یقین قلبی او و ایمانش وی را بر آن داشت تا به قول و عمل، عدم دل‌بستگی خود به دنیا را نشان دهد.

اشعار ایمانی و عرفانی که از دل ایشان برخاسته و به دل‌های مشتاقان خوش نشسته است، گویای اعتقاد او به فانی بودن دنیا و ملکوتی بودن انسان است:

من که از دار بقایم هُو هُو یا مَن هُو نه که از دار فنایم هُو هُو یا مَن هُو
منگر بی سر و پایم هُو هُو یا مَن هُو بنگر مدح و ثنایم هُو هُو یا مَن هُو
بشنو آواز و صدایم هُو هُو یا مَن هُو مظهر وصف خدایم هُو هُو یا مَن هُو
(موسوی مطلق، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰)

چشمداشت به جهان باقی و امید وصل به بارگاه معبود ازلی از صفات پرهیزکاران است که مولای متقیان در خطبه همّام چنین فرموده است: «قُرَّةُ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يُرْوَلُ، وَ زَهَادَتُهُ فِيمَا لَا يَبْقَى».
(روشنی چشمش در آن چیزی است که جاوید است، و بی رغبتی اش در آن است که فانی شدنی است.)

صبر و ادب، فضیلتی خداداد:

حافظیان که پس از سالها تحمل بیماری عمری دوباره به دست آورده بود، با اجازه مادر و پدر راهی هندوستان می‌شود و اجر صبر بر بیماری و اظهار ادب نسبت به مادر و پدر را در همان خطه از رسول اکرم (ص) می‌گیرد، یعنی موقّق به طرّاحی، تنظیم و نگارش لوح محفوظ می‌گردد:

بعـد بیـماری طویل و دراز عمر دوم گرفتم از حق باز
سه طبیب معالجم یکسر حکم کردند بر لزوم سفر
شوق هندوستان بزد به سرم با اجازه ز مادر و پدرم
(ص ۴ از ترجیع بند ۱۳ صفحه‌ای دستنویس)

فروتنی علامه سید ابوالحسن حافظیان در محضر استاد:

سفرنامه منظوم ایشان حاوی حقایقی از ایمان، اخلاق و معرفت انسانی است که تأمل و تدبّر در آنها، از لطف و عنایت خدا به بندگان باهمّت، مؤمن و مخلصش حکایت می‌کند. در این منظومه بعد از حمد خدا و نعت رسول اکرم (ص)، یادی از بزرگان را بر خود فرض می‌شمارد و زبان به دعای خیر آنان می‌گشاید. چون برکت این امر را خود دریافته، دوست دارد دیگران هم به این شیوه عمل کنند و فیضی ببرند:

ای جوان خدمت بزرگان کن نفس امّاره را به فرمان کن
بهر خدمت همیشه حاضر باش گر قبولت کنند شاکر باش

(ص ۱ از ترجیع بند ۱۳ صفحه‌ای دستنویس)

توصیف و تمجید علامه حافظیان از یکی از استادان خود، به عنوان واجد سرّ حکمت و استاد معارف قرآن که از علوم عرفانی و رسوم و فنون یونانی هم فراتر رفته و سر به درگاه علم امام جعفر صادق (ع) داشته است، قدرشناسی او را نشان می‌دهد. وی با ادب و اخلاصی تمام، از اینکه افتخار شاگردی حضرت شیخ اصفهانی را داشته و مدّت پنج سال از جان و دل در خدمت آن بزرگوار بوده، به خود می‌بالد و پیش از حرکت به سوی استاد دیگر به خود هشدار می‌دهد که باید قدر چنین نعمتی را بداند. نوع نگاه او به ویژگی‌های آن بزرگواران، گویای آنست که وجهه همّتش چیست و چگونه در تلاش تخلّق به خلق عظیم و رسیدن به کوه قاف یقین بوده است. پس از وصف استادش به تبخّر در علم و آگاهی از اسرار و رموز و آراسته بودن به خلق نبوی (ص)، ادب حضور در محضر استاد را که صاحب نفس مطمئنّه و رادمردی علیم و حکیم است، چنین بیان می‌کند که به قصد زیارت آن بزرگوار، شاگردی او را هم با صمیم قلب پذیرفته‌است:

يك تن از اوليا بيا و ببين اوستادی بزرگ و پير مُبين
اولین، نیت زیــــــــــــارت کن پس به شاگردیش اقامت کن

(ص ۲ از ترجیع بند ۱۳ صفحه‌ای دستنویس)

از نوری که در وجنات استاد خود علامه سید موسی زرآبادی می‌بیند، به وجد می‌آید و از اینکه فرشته‌ای را به صورت انسان می‌نگرد، حیران می‌شود. گاه از سجود و رکوع و قیام او می‌گوید و گاه از همدردی او با عوام. می‌گوید او که از خدای علیم تعلیم گرفته، اگرچه مفتخر به حکم شریعت نبوی (ص) است، خرّقه موسوی و مسند عیسوی را هم محترم می‌دارد. آنچه را از محضر استاد فرامی‌گیرد به مائده آسمانی مانند می‌کند و می‌گوید هم بر سفره گسترده دانش او نشستیم و منّ و سلوی خوردم و هم از خوان کرّمش ظرفی پُر بهمراه بردم. هرچه از اوصاف او می‌گوید، به این حقیقت بیشتر معترف می‌گردد که قادر به بیان حقیقت وجودی آن بزرگوار نیست و کوشش در کسب فیضی از فضائل او و گرفتن درسی از رسائل وی را مغتنم می‌شمارد و ذکر توحید را با بیت ترجیع این منظومه بلند پیوند می‌دهد:

گویم از جان و دل بلیل و نهار وَقِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ
اوستادم به من گفت بگو وَحَدَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
رَحْمَهُ اللّٰه عَلَیْهِ، طَابَ ثَرَاهُ جَعَلَ الْجَنَّةَ لَهُ مَثْوَاهُ

(ص ۱۳ از ترجیع بند ۱۳ صفحه‌ای دستنویس)

و ما با تکرار همین دعایی که علامه حافظیان در حق استاد خود، علامه سید موسی زرابادی روا داشته، برای او رحمتی وسیع و جایگاهی رفیع، از خدای بزرگ مسألت می نماییم.

گفتار و رفتار خالصانه و خداپسندانه:

مرحوم سید ابوالحسن حافظیان هر چه گفته و هر چه نگاشته، از سر صدق و راستی و در جهت رضای خالق و منفعت و شادمانی خلق بوده است و به یاری خداوند، بی ریا و بدون توقع اجر و مزد یا چشمداشتی به سپاسگزاری، هر گامی برداشته، گرهی از مشکلات مردم را گشوده است. استاد دکتر سید علی موسوی گرمارودی که به همّت پدر، بارها محضر حضرت حافظیان را درك کرده بود، می نویسد:

"بالایی کشیده داشت و پیراهنی به همان بلندی و همیشه سفید و درخشان بر تن وی بود، روی آن ردایی اغلب بی عبا می پوشید که بر بلندای قدش می افزود. اگر سخنی شگفت آور می شنید، باچهره ای خندان ابروها را بالا می برد و دو سه بار تند و پیاپی "لا إله إلا الله" می گفت! هرگز به قهقهه نمی خندید". (حافظیان، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷)

ویژگی هایی را از وی ذکر می کند که نشان از تقوای او دارد و هر نکته ای از آن شایان تأیید گرفتن از خطبه همّام از نهج البلاغه است. در این خطبه مولای متقیان فرموده است: «مَنْطَقُهُمُ الصَّوَابُ»، (گفتارشان صواب)؛ «و مَلْبَسُهُمُ الإِقْتِصَادُ»، (پوشاکشان اقتصادی)؛ «و مَشِيئُهُمُ التَّوَّاضُعُ»، (و رفتارشان فروتنی و افتادگی است)؛ «و إِنْ ضَحِكَ لَمْ يَعْطُ صَوْتَهُ»، (و شخص متقی اگر بخندد، قهقهه نزند).

علامه حافظیان در هنگام گزارش اقامت خود در جنگل صوفی پوره، در دامنه کوه ترال کشمیر، که در شصت میلی سرینگر واقع شده، از فقر مردم مهربان آن خطّه و بی اطلاعی آنان از راه و رسم دنیا و شهر سخن می گوید و شیفتگی خود را نسبت به زندگی و هماهنگی با آنان علیرغم تمکن مالی، اینگونه توصیف می کند: "اگر افراد متمدّن امروز، حقیر را به آن حالت در آن نواحی می دیدند، یقیناً دیوانه می خواندند و من دیوانه در آن دشت دیوانه خانه، بسیار خوش بودم." و این شوق و شیفتگی است که آزاد از قیود و رسوم و بی ریا، مایه آفرینش آثار سترگ می شود:

پیر عِقلَم بگفت در يك روز	جامه همّتی بیار و بدوز
تو درین ره بشو و چو دیوانه	به کسی اعتنا و پروا، نه
که خدا خواستست این حرکت	از تو حرکت و از خدا برکت

لطیفه‌ای عجیب در این حال و مقام عارفان تقوی پیشه و عاشقان واصل وجود دارد که امام علی (ع) می‌فرماید هر کسی را لیاقت شناخت این حالت در متقین نیست تا چه رسد به درک این فضیلت و متصف شدن به این صفت:

«يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرْضَى، وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ، وَ يَقُولُ: لَقَدْ حُولَطُوا، وَ لَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ». (مردم آنان را می‌بینند به تصور اینکه بیمارند، ولی بیمار نیستند، و می‌گویند دیوانه‌اند، در حالی که امری عظیم آنان را بدین حال درآورده است). این امر عظیم همان عشق به معبود همیشگی است. این شوق و شیفتگی که هم ذاتی حافظیان است و هم در مکتب پیر عقل آموخته، شدت ایمان و محض توکل وی به محبوب ازلی را نشان می‌دهد. همین توکل خالصانه و ایمان به عظمت خدای مهربان، او را بر آن داشته که جامه همّتی دوخته و عاشقانه و دیوانه وار، بی اعتنا به دنیا و بی پروا، در طلب رضای دوست، قدم در راهی پر خطر و خوش عاقبت بگذارد. همچنانکه علی (ع) می‌فرماید: «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ، فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ». (خداوند در باطنشان بزرگ، و غیر او در دیدگانشان کوچک است).

عزم جزم برای تحقق اهداف و تحمّل نشیب و فراز

«نَزَلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَلْتِي نُزِلْتُ فِي الرَّخَاءِ»، (آنان را در بلا و سختی و آسایش و راحت حالتی یکسان است). علامه حافظیان برای تحقق خواسته خود در نگارش لوح محفوظ، با خصوصیات که برشمرده است، هرگونه سختی را به جان خرید تا به یاری خدا به مقصود عالی رسید. " تقریباً پنج ماه شب و روز در آن بیابان نه به فکر خواب و نه به یاد خوراک بودم، بلکه همه هم و غم همین بود که این فکر عملی شود. (حافظیان، ۱۳۷۵، ص ۷۲)

جامعیت پرهیزکاران در علم و ایمان

«فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ، وَ حَزْمًا فِي لَيْنٍ، وَ إِيْمَانًا فِي يَقِينٍ، وَ حِرْصًا فِي عِلْمٍ، وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ، وَ قَصْدًا فِي غِنَى، وَ خُشُوعًا فِي عِبَادَةِ، وَ تَجَمُّلاً فِي فَاقَةِ، وَ صَبْرًا فِي شِدَّةٍ». (از نشانه های دیگرشان آن است که می‌بینی هر کدام را دارای نیرومندی در دین، دوراندیشی با نرمی، ایمان همراه با یقین، حرص در دانش، علم با بردباری، میانه روی در توانگری، فروتنی در عبادت، آراستگی در تهیدستی، بردباری در سختی). قوّت او در دین، همان التزام او به پرهیز از حرام، رعایت احکام شرع و دعوت دیگران به مسیر هدایت بود. ما نیز علاوه بر آنکه قوّت او در دین

را از همه رفتار و گفتارش درمی‌یابیم، گفته‌های دیگران را درباره وی، نیز به عنوان مُهر تأییدی بر آن می‌افزاییم. "مرحوم آقای حافظیان از ریاضت کشان بزرگ و متعبد به سلوک شرعی بود. وی از بزرگان اهل نَفَس و دعا و استاد مسلم علوم غریبه بود ... او به زودی در اثر استعداد سرشار، نزد استادش مرحوم آقا شیخ حسنعلی نخودکی (ره) بسیار مقرب گردید و گوی سبقت را از دیگران ربود. استاد در مکتب و مجلس درسش نور صفای وارستگی و آزادگی را در سیمای سید ابوالحسن دقت می‌کرد و به هوش و ذکاوت او اقرار می‌نمود. نبوغ سید ابوالحسن حافظیان (ره) در نوجوانی به ظهوری کرامت گونه رسید و بارقه عرفان در او تجلی یافت. صرف و نحو، ریاضی، طب، نجوم، هیأت، فقه و اخلاق از علومی هستند که این بزرگمرد علم و عرفان و اخلاق نزد اساتید فراگرفت و در هر يك از آنها به کمالی شایسته و بایسته نائل آمد. (حافظیان، ۱۳۹۰، ص ۱۵)

نتیجه:

علامه حافظیان (ره) آراسته به فضیلت‌های انسانی چون ایمان به خدای یکتا، تخلّق به اخلاق الهی و خدمت به خلق خدا بود که شواهد بسیاری مؤید آنست. رعایت احکام شرع و دعوت دیگران به مسیر هدایت، توجّه به عالم باقی و قطع وابستگی از دنیای فانی، قوّت در دین، اهتمام در آموختن، عزم جزم برای تحقّق اهداف و تحمّل نشیب و فراز، از جمله ویژگی‌هایی است که مولای متّقیان در خطبه متّقین، خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه، به اصرار همّام، یکی از یاران با معرفت خود در وصف پرهیزکاران فرموده است. در این مقاله به چند مورد از اوصاف متّقین و تطبیق رفتار مرحوم حافظیان (ره) با یکایک آنها اشاره شد. بی شک نظر مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السّلام در تبیین اوصاف پرهیزکاران، دعوت مستعدّان امت اسلامی به رعایت همه این موارد در زندگی روزمرّه بوده است، تا هرکس با خودسازی، به نحو احسن به عبادت و خدمت خالصانه بپردازد.

منابع:

۱. امام علی (ع)، نهج البلاغه.
۲. حافظیان (ره)، سید ابوالحسن (۱۳۹۰)، شرح و تفسیر لوح محفوظ، چاپ هشتم، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.
۳. حافظیان، سیده قدسیّه (فیروزه)، (۱۳۸۹)، حافظ اسرار، نشر مؤسسه فرهنگی خاتون قلم، تهران.

۴. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، **مکتب تفکیک**، چاپ نهم، انتشارات دلیل ما، قم.
۵. موسوی مطلق، سیدعبّاس، (۱۳۸۸)، **مظهروصف خدا** (خاطرات حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری)، انتشارات دانشیاران ایران .
۶. موسوی مطلق، سیدعبّاس، (۱۳۸۸)، **بوستان معرفت** (برگرفته از درک محضر پر فیض جلسات اخلاقی عارف الهی حاج شیخ عبدالقائم شوشتری)، انتشارات دانشیاران ایران.
۷. اشعاری که به صورت کپی سرکار خانم سیده قدسیّه (فیروزه) حافظیان مرحمت فرمودند.
- 8- Imam Ali, Nahjul Balagha, (1375 A.H.), translated by Sayed Ali Reza in
Kerachi, Ansariyan Publications

* در اواسط دهه سی (سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸) حق تعالی به مرحوم مغفور آقای حاج سید ابوالحسن حافظیان (ره) توفیق مرحمت فرمود که با همّت مردانه و سعی جانانه خود، ضریح مطهر حضرت ثامن الائمه صلوات الله و سلامه علیه را تجدید فرماید. (حافظیان، ۱۳۹۰، مقاله استاد مهدوی دامغانی، ص ۱۷۸)